



واعظان کاین جلوه در محراب و مشرب کنند...



سیاهچاله اقتصاد ایران

صفحه ۲

آسمان تیره اقتصاد ایران، این روزها درگیر مسائل مختلفی است؛ از التهابات و تنش های ارزی عجیب و غریبی که حاصل افسار گسیختگی مالی شدید کشور است، تا پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی که بازیچه سیاسی عده معلوم الحالی در کشور شده است.

ضامن برجام

صفحه ۵

پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی (FATF) در سال ۹۵ سبب شد تا ریسک اعتباری ایران کاهش یافته و تبع آن جذب سرمایه های خارجی افزایش یابد. اما در این چند وقت اخیر بحث های فراوانی پیرامون اینکه پذیرفتن لوایح چهارگانه FATF چه فوایدی برای کشور دارد شکل گرفته و حتی بعضی معتقدند که همکاری با FATF به مثابه خیانت به کشور می باشد!

بی تفاوتی اجتماعی

صفحه ۷

بی تفاوتی اعضای یک جامعه، آثار عمیق و شدیدی بر پیکره آن اجتماع می گذارد. زمانیکه تعاملات اجتماعی گرم افراد دچار اختلال شود، میزان بی تفاوتی افراد از یکدیگر کاهش می یابد و به مرور زمان، به کاهش مسئولیت پذیری در عرصه های اجتماعی منجر می شود.

سرمقاله

سیاهچاله اقتصاد ایران

سینا واحدی فرد
اقتصاد نظر ۹۲

آسمان تیره اقتصاد ایران، این روزها درگیر مسائل مختلفی است؛ از التهابات و تنش‌های ارزی عجیب و غریبی که حاصل افسار گسیختگی مالی شدید کشور است، تا پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی که بازپچه سیاسی عده معلوم الحالی در کشور شده است. قواعد، لوايح و کنوانسیون‌های بین‌المللی تا زمانی که خطری برای امنیت ملی یک کشور ایجاد نکند، به طور طبیعی برای حضور در جامعه بین‌الملل لازم الاجراست. پیوستن به هر کدام از این نهادها و یا قواعد جهانی مشخصا باید مزایای اقتصادی برای هر کشور ایجاد کند. از سال ۹۲ و با روی کار آمدن دولت دکتر روحانی، کسانی که تعلق خاطر به پیشرفت و آبادانی و توسعه این مرز و بوم داشتند با تایید و همراهی در به ثمر نشستن توافقی بین‌المللی که بعدها برجام نام گرفت، تلاش خود را به انحاء مختلف انجام دادند. کارشناسان اقتصادی و ذی‌نفعان عرصه اقتصاد ایران نیز می‌دانستند که بدیهی است در ادامه گام‌های مشخصی در جهت ارتباطات تجاری، اقتصادی و جهانی باید طی شود. برای بهبود مسیر تجاری ایران در جهت اقتصادی درون‌زا و برون‌گرا نیازمند اقداماتی داخلی در جهت رفع موانع کسب و کار هستیم و در خارج نیز تسهیل ارتباط تجاری جهت تامین نیازها و صادرات بهینه کالای ایرانی باید صورت بگیرد. رفع موانع این مسیر نیاز مبرم به انجام اقدامات گسترده‌ای دارد. به صورتی که بانک‌های ما در جهت ایجاد ارتباط باید رابطه مستحکم با بانک‌های خارجی داشته باشند، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی صورت بگیرد، ایران از لیست سیاه FATF، OECD و عدم پیشنهادها سرمایه‌گذاری خارج شود. سایه تحریم‌های بین‌المللی از سر اقتصاد ایران برداشته شود و مسیر نوینی در جهت ارتباط با اقتصاد جهانی فراهم شود. البته این گام‌ها شاید هر کدام در میانه راه بوده و بخشی از آن طی شده باشد، اما در هر صورت اقتصاد ایران نیازمند هوای تازه‌ای است تا از این کج‌راهه امروزی رها شود. اگر چه هنوز در بخش داخلی درگیر مسائل گسترده و بی‌بدیلی بوده و هستیم که مانع پیشرفت مستمر ما شده‌اند. رفع موانع تولید تنها و تنها با حکمرانی خوب به دست می‌آید. حکمرانی خوب در اقتصاد تعاریف مشخصی دارد که مجال این سخن از آن کوتاه است. اما

رضا امیرزاده
ارشد اقتصاد توسعه ۹۱

می‌توان در این حد بسنده کرد که ثبات قوانین تجاری، تسهیل کسب و کار، ثبات ارز، بی‌ثباتی و غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت‌های مواد اولیه، بی‌ثباتی سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر به کسب و کار و دشواری تامین مالی از بانک‌ها و هزاران مانع دیگر در کسب و کار و تولید، بیش از ۵۰ سال است که اقتصاد ایران را دچار اختگی کرده است. در طول سال‌های اخیر نیز بهبود محسوسی حاصل نشده است. علاوه بر این‌ها فساد و لجام گسیختگی در مساله شفافیت نیز بر مشکلات عدیده بازار اقتصاد ایران افزوده شده است.

هر چه محیط کسب و کار (محیط نهادی و اقتصادی) شرایط بهتری داشته باشد، بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر است و هر چه بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصادی آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه بیشتر می‌شود. اما با نبود سازوکارهای نظارتی، رسیدگی نشدن به مسائل قضایی و نیز مفاسد اقتصادی خصوصی و دولتی همچنان نمی‌توان بهروزی اقتصاد ایران را متصور شد. در صورتی که چاره‌ای اساسی برای ترمیم محیط سالم کسب و کار اندیشیده نشود، حتی با وجود رفع موانع اقتصادی، نمی‌توان شاهد ایجاد رونق و تولید بیشتر بود. بررسی‌های موسسه جهانی ریسک و بانک جهانی نشان می‌دهد طی دو دهه گذشته میانگین شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان در ایران بیش از ۴۰٫۸ درصد بالاتر از متوسط میانگین جهانی است. محیط اقتصاد کلان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های محیط کسب و کار است و تاثیر به‌سزایی بر کارآفرینان و کسب و کارها دارد. میانگین شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان، در ۲۵ سال گذشته یعنی محدوده زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ حدود ۱۱ درصد برآورد شده است که در مقایسه با متوسط جهانی آن یعنی ۶٫۴ درصد تفاوت محسوسی دارد. نرخ تورم و نرخ ارز یکی از عواملی است که در سیاست‌گذاری اقتصاد کلان توسط دولت‌ها تعیین می‌شود. خصوصی‌سازی و مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی در مسیر تعامل با دولت و با ایجاد فضای مناسب به دست می‌آید. تا زمانی که دولت کشورمان تصمیم به شفاف‌سازی بدنه اقتصادی خود، مسائل درگیر آن و مقابله جدی با فساد گسترده نگیرد، نمی‌توان سپهر اقتصاد ایران را شفاف و پر فروغ یافت.

در روزهای ابتدایی مهرماه، حسن روحانی در حالی در صحن سازمان ملل به ایراد سخنرانی پرداخت که شرایط کشور ایران در ماه‌های اخیر کاملا متفاوت با سال‌های پیشین ریاست جمهوری وی بوده است. شرایط بحرانی اقتصاد، بازار متلاطم ارز و سکه، نابه‌سامانی و هرج‌ومرج در بازار کالا و خدمات، اعتصاب و اعتراض اصناف مختلف، استیضاح و برکناری وزیر دولت یکی پس از دیگری، طرح سوال از رئیس‌جمهور و دریافت کارت زرد وی از مجلس شورای اسلامی و یک روز قبل از سفر روحانی به نیویورک، حمله‌ی تروریستی به رژه‌ی نیروهای مسلح در اهواز، شرایط روحانی را پشت‌تربییون سازمان ملل نسبت به تمامی سال‌های گذشته‌ی ریاست جمهوری وی، متفاوت کرده بود. او از یک‌سو بر خلاف سال ۹۳ که در شرایط مشابه و یک سال پس از رأی مردم به وی در سازمان ملل به سخنرانی می‌پرداخت، جسارت تکیه بر رأی مردم کشورش را به عنوان ابزاری برای مخالفت مردم ایران با سیاست‌های نهادهای بین‌المللی و به‌ویژه سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا نداشت و از سوی دیگر در ضعیف‌ترین موقعیت سیاسی خود در ۵ سال اخیر هم در عرصه‌ی داخلی و هم در عرصه‌ی بین‌المللی قرار داشت. انتظار طبیعی آن است که شرایط داخلی و بین‌المللی حاکم بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور بر نطق تهیه شده توسط رئیس‌جمهور و تیم مشاوران وی برای ایراد سخنرانی در سازمان ملل تأثیرگذار باشد و متن سخنرانی ایشان در جهت تقویت موقعیت کشور ایران و رئیس‌جمهور آن در عرصه‌ی بین‌الملل و احیای از دست‌رفته‌های آن‌ها در این حوزه و نیز احیا و بهبود جایگاه رئیس‌جمهور در جامعه‌ی ایران تنظیم شده باشد. اما در سخنرانی روحانی در سازمان ملل، اثری از چنین خردورزی‌ها و تدابیری مشاهده نمی‌شد و وی هم‌چون گذشته از موضع اقتداری کاذب و با لحنی واعظ‌گونه به وعظ و نصیحت سران کشورهای جهان به ویژه ایالات متحده پرداخت و شعارهایی را سر داد که در گذشته نیز بر آن‌ها تأکید فراوان کرده بود. گویی روحانی فراموش کرده است که دیگر شعارهایش حتی در میان مردم کشور خودش نیز شنونده‌ای ندارد، چه رسد به کشورهای که با سیاست‌ها و تدابیر خود جایگاه وی را متزلزل کرده‌اند.

تکیه بر برجام، به عنوان تنها دست‌آورد پنج سال کار دولت روحانی، همچنان بخش اصلی سخنان رئیس‌جمهور را تشکیل می‌داد و این در حالی است که برجام نه‌تنها در عرصه‌ی بین‌المللی جایگاه و اعتبار پیشین خود را دارا نیست، بلکه اندک تأثیرگذاری خود را بر اقتصاد داخلی ایران از دست داده و شرایط اقتصاد کشور نسبت به پیش از برجام نیز از هم گسیخته‌تر

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند...

نقدی بر سخنرانی حسن روحانی در سازمان ملل متحد

است. روحانی خروج آمریکا از برجام را محصول بازی و رقابت سیاسی و جناحی در کشور آمریکا میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها معرفی کرد و ترامپ را به پرهیز از بازیچه قرار دادن قطعنامه‌ها و سیاست‌های بین‌المللی به واسطه رقابت‌های جناحی در ایالات متحده دعوت کرد. این در حالی است که سران کشورهای آمریکا و اروپایی شاید بیش از مردم ایران واقف هستند که حتی نطق‌های رییس‌جمهور ایران در پنج سال گذشته تا چه اندازه در گرو واکنش‌های داخلی مخالفان او در ایران بوده و افزایش چشم‌گیر تأثیرگذاری فشارهای سیاسی داخلی

ادامه‌ی تحصیل محروم می‌شوند، جهان را به صلح و نوع‌دوستی و گفت‌وگو فرامی‌خواند و این بار شرایط کشور به‌گونه‌ای است که این سخنان رییس‌جمهور نه خنده‌ای تلخ بر لبان مردم ایران که اشک‌های حسرت را بر گونه‌های آنان جاری می‌سازد. روحانی سران کشورهای جهان را به اعتدال و پرهیز از افراطی‌گری دعوت می‌کند، در حالی که در یک سال و نیم گذشته، نه تنها هیچ اقدامی برای مقابله با افراط‌گرایان داخلی نکرده که در دولت جدید خود تمامی تخم مرغ‌های خود را نیز در سبد افراطیون ایرانی گذاشته است. حسن روحانی، رییس‌جمهور و دولت ایالات متحده را به



بر رییس‌جمهور ایران را بر مواضع بین‌المللی دولت وی درک کرده‌اند. روحانی درحالی‌هم‌چنان بر عدم مداخله‌ی سیاسی آمریکا و اروپا در سایر کشورها تأکید می‌کند که در پنج سال گذشته نه تنها پاسخ‌گوی رسانه‌ها و سران نهادهای بین‌المللی که حتی یک بار در مقابل مردم کشور خود نیز پاسخ‌گوی هزینه‌های نظامی و غیرنظامی هنگفت دولت خود در کشورهای منطقه نبوده است. او جهانیان را به صلح و گفت‌وگو دعوت می‌کند، در حالی که پس از پنج سال هنوز کوچک‌ترین موفقیتی برای ایجاد زمینه‌های گفت‌وگوی ملی در کشور خودش کسب نکرده است. رییس‌جمهوری که در سایه‌ی دولت وی روزنامه‌نگاران و دانشجویان و فعالان صنفی و اجتماعی به دلیل انتقاداتی ساده، محاکمه و زندانی می‌شوند و دانشجویان آن همچنان از ابتدایی‌ترین حقوق خود هم‌چون حق

استفاده از زور در معادلات جهانی متهم و شکایت خود را با این عبارت که «آمریکا فکر می‌کند چون زور دارد، حق هم دارد» در سازمان ملل مطرح می‌کند، اما در تمام دوران ریاست جمهوری خود حتی یک بار در مقابل زورگویان قلدربابی که در داخل کشور به هر اقدام غیرقانونی و زورگویانه‌ای در جهت منافع شخصی خود دست می‌زنند، ایستادگی نکرده و هیچ‌گاه صدای اعتراض او به فساد گسترده‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این زورگویان در داخل کشور شنیده نشده است. رییس‌جمهور ایران از حقوق ملت‌ها و دولت‌ها در مقابل یکدیگر سخن می‌گوید و دولت‌های زورگو را به نادیده گرفتن و پیمال کردن حقوق سایر ملت‌ها متهم می‌کند، اما هیچ‌گاه از ملتی که به واسطه‌ی زورگویی و قساد، حتی از حقوق اولیه و انسانی خود محروم شده‌اند، سخن نگفته است. گویی سخن راندن

از حقوق پیمال شده‌ی ملت‌ها نیز تنها زمانی ارزشمند است که ابزاری باشد برای حصول به اهداف سیاسی آقای رییس! روحانی هیچ‌گاه از حق مردم کشورش برای انتخاب آزادانه‌ی رییس‌جمهور و نمایندگان خود که به واسطه‌ی نظارت استصوابی پیمال شده است، سخن نگفته و نمی‌گوید، چرا که خود نیز باور دارد که انتخاب وی به عنوان رییس‌جمهور ملت ایران تنها در سایه‌ی نظارت استصوابی و عدم حق انتخاب آزادانه‌ی ملت ایران میسر و ممکن شده است.

تناقض‌های بی‌شمار گفتار و کردار رییس دولت ایران، سخنان و وعظ‌های زیبا و گاه صحیح و منطقی او را در داخل و خارج از ایران بی‌اثر و بی‌اعتبار کرده و وی را به ناطقی بی‌عمل که تنها توان او سخنوری و سخنرانی است، تبدیل کرده است. روحانی گویا فراموش کرده که رییس‌جمهور ملت ایران است و حتی در عرصه‌های بین‌المللی نیز باید خواست و اراده و مشکلات مردم ایران را متجلی سازد و در پی رفع آن‌ها باشد. او باید از شرایط امروز ملتی سخن بگوید که توسط زورگویان فاسدی که مصداق عینی سخنان روحانی در سازمان ملل هستند، غارت شده و با ابزار سرکوب به‌جای نشسته‌اند. ترامپ به عنوان رییس‌جمهوری آمریکا، در مهم‌ترین بخش سخنان خود در سازمان ملل از شرایط کشور خود و آن‌چه برای مردم آمریکا انجام داده و شرایط ملت و شهروندان ایالات متحده سخن گفت؛ حال آن‌که اطلاعات وی از منظر برخی صحیح و از منظر برخی غلط بوده است، اما وی به عنوان رییس‌جمهور یک ملت، روش صحیح سخنرانی در مجامع بین‌المللی را پیش گرفت و پیش از آن‌که برای سایر ملل سخنرانی کند، برای ملت خود سخن گفت. روحانی اما فرصت خود برای احیای جایگاه نابودشده‌ی خود به عنوان رییس‌جمهور ایران را با سخنانی صحیح و زیبا و تا اندازه‌ای مستدل، اما بی‌ربط به کشور و ملت ایران از دست داد. باید به روحانی هشدار داد که تکرار این سخنان زیبا برای روسای ملت‌های جهان و در عین حال عمل متناقض توسط دولت وی، بی‌شک باعث خواهد شد که سخنان او در مجامع بین‌المللی نیز همانند کشور خودش اندک اعتبار خود را از دست داده و تنها به عاملی برای تمسخر دولت ایران و رییس آن تبدیل شود.

برای روحانی حتی بازگشت به ملت و خواسته‌های آن‌ها بسیار دیر و در جهت احیای و جاهت ریاست‌جمهوری وی بی‌اثر شده است، اما شاید بازگشت به خواست و اراده‌ی ملت ایران در مدت باقی‌مانده از دولت وی، بتواند در کارنامه‌ی سیاه او نقاط روشنی را به یادگار بگذارد. رییس دولت ایران اما، اکنون مصداق واعظانی است که کار خود را تنها وعظ و نصیحت می‌دانند و عمل به این نصایح را کار دیگران.

جوابیه انجمن اسلامی دانشگاه فردوسی از نشریه سلام به کیمته ناظر بر نشریات دانشگاه بابت مقاله ی آقای رضا امیرزاده با عنوان «داستان رویش جوانه ها در خاک دانشگاه» منتشر شده در شماره ۸ (نیمه اول مهر ماه ۹۶)، جوابیه آن انجمن منتشر می گردد. جهت دسترسی و مطالعه مقاله فوق الذکر می توانید QRCode مقابل را اسکن نمایید!



پاسخی به ادعاهای تکراری

از زمان احیای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۰ و بازخوانی و بر سر دست گرفتن اهداف و آرمان های هفتاد ساله انجمن های اسلامی دانشجویان، همواره از جهات مختلف - که ظاهراً متضاد یکدیگر هم هستند! - ادعاها، تهمت ها و سنگ اندازی های متفاوت صورت گرفته و تا امروز نیز ادامه داشته است. البته این مسائل و مباحث از دوره ای به بعد و گاه با پوشش بررسی های تاریخی یا هویتی، پس از شکل گرفتن تشکیلی نوظهور در دانشگاه شدت گرفت.

در این سال ها انجمن اسلامی دانشجویان غالباً بنای پاسخگویی به ادعاها را نداشته است؛ هم از این جهت که بی اساس بودن آن ها با توجه به فعالیت های انجمن چه در نزد فعالین دانشجویی و چه برای سایر دانشجویان بدیهی بود و هم از این جهت که مسائل مهمتری را چه در دانشگاه و جامعه و چه در درون تشکیلات در اولویت خود می دانست و صبر برای افول این هیجانات غیرواقعی را به مصلحت نزدیک تر می دید!

اما با توجه به اینکه همان ادعاهای تکراری برای بار چندم در نشریه سلام شماره... منتشر شده است بنظر می رسد که لازم است توضیحاتی کوتاه برای روشن شدن موضوع برای مخاطبین ارائه شود؛ باشد که این توضیحات مسبب آن باشد که افراد و تشکل ها هویت خود را نه در نفی دیگران و سوار شدن از میانه راه، که در تعریف ایجابی خود و آغاز مسیر مطلوب از نظر خویش جستجو کنند.

به طور معمول در فحوای کلام یادداشت هایی نظیر آن چه در نشریه سلام منتشر شد، از یک ماهیت «خیالی» با عنوان «انجمن اسلامی اصیل» یاد می شود که احتمالاً اعضای اصیلی هم داشته است!! برای ساختن این تصور هم دست مایه هایی از بخش های گزینش شده ای از تاریخ ارائه می شود اما چه نسبتی میان ادعای «انجمن اسلامی اصیل» با واقعیت وجود دارد و اصالت با چیست؟!

با اندکی تعمق و مطالعه در تاریخ جنبش دانشجویی در ایران و تطبیق آن با جریان های فعلی داخل دانشگاه می توان به این نتیجه رسید که آن چه به عنوان «انجمن اسلامی اصیل» در اینگونه ادعاها یاد می شود نه متعلق به سال ۱۳۲۰ و آرمان های تأسیس انجمن های اسلامی و نه حتی متعلق به سال ۱۳۵۸ و نقطه عطف تاریخی انجمن ها بلکه متعلق به تعریف بخشی - نه همه - از انجمن های اسلامی آن هم از اواخر دهه ۱۳۷۰ شمسی است!

در این تصویر، اسلام گرایی که هدف اولیه تشکیل انجمن های اسلامی بوده است جای خود را به «دموکراسی خواهی» و عدالت طلبی که در تمام ۷۶ سال از اصلی ترین آرمان های انجمن های اسلامی بوده، جای خود را به «آزادی خواهی» می دهد. در این خوانش گزینشی استکبارستیزی همراه با استبدادستیزی شهدای ۱۶ آذر تنها به استبدادستیزی تقلیل می یابد. بعد از انقلاب نیز این تصویر از انجمن های اسلامی، از تسخیر سفارت آمریکا پشیمان است و پشیمانی تعداد بسیار اندکی از رهبران تسخیر را توبه «تمامی عاملان

اصلی» آن تصور می کند و طنز ماجرا اینجا است که توبه آن تعداد معدود که در همین سال های اخیر رخ داده را «در بستر روشنگرانه انجمن های اسلامی» عنوان می کند!! پس از انقلاب نیز یادی از نقش انجمن های اسلامی در نهادسازی های پس از انقلاب و همچنین دفاع مقدس و شهدای انجمنی نمی شود البته شاید این ها چندان مهم نباشند!

شاید نگاهی دقیق تر به بخشی از گذشته انجمن های اسلامی ما را در روشن تر شدن تفاوت های خوانش گزینشی و واقعی از این جریان یاری رساند:

درخت هفتاد و شش ساله

تاریخ، صحنه جدال روایت ها است و هر روایت جنبه ای از واقعیت را نشان می دهد اما در برابر این روایت ها، تحریف تاریخ، جعل روایت با پوششی از واقعیت های خودساخته و یا تفسیر به رأی آن ها است. روایت های جعلی نسبت چندان با واقعیت ندارند یا خوانشی دلبخواه و عجیب و غریب از واقعیت ارائه می دهند که بیشتر از آنکه گزارشی از گذشته باشند، بازتاب دیدگاه امروزیین محرف هستند! آنچه به عنوان تاریخ انجمن های اسلامی دانشجویان این روزها در برخی محافل ارائه می شود و نشریه سلام نیز به انتشار بخشی از آن نگاه پرداخته بود نیز به قدری دور از واقعیت است که عبارت «روایتی تاریخی» چندان مناسب توصیف آن نیست.

انجمن های اسلامی دانشجویان در سال ۱۳۲۱ در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران توسط عده ای از دانشجویان مسلمان تأسیس شدند.

اگر بخواهیم یک نقطه مرکزی برای هدف و آرمان تشکیل انجمن های اسلامی مشخص کنیم، آن «اسلام گرایی» است که در کنار آن عدالت طلبی، استبدادستیزی و استکبارستیزی قرار می گیرند. براساس بررسی های تاریخی واضح است که انجمن های اسلامی به عنوان یک تشکل «مذهبی» در برابر گروه های غیرمذهبی داخل دانشگاه تأسیس شدند؛ اینکه دموکراسی و آزادی را محورهای گفتمانی انجمن های اسلامی بدانیم یا از بدخوانی تاریخ است و یا از تحریف آن! با توجه به تأکید تاریخی انجمن های اسلامی به مسئله عدالت و دغدغه دائمی آن ها بر حمایت از «مستضعفین جهان» در ذیل این گفتمان مسئله «آزادی» نیز قرار می گیرد ولی نه به عنوان محوری اصلی. البته این فرعی بودن آزادی خواهی را می توان در بستر تاریخی فعالیت انجمن ها و غلبه نگاه های چپ بهتر فهمید. قابل ذکر است که بحث در اینجا، اهمیت نداشتن یا مهم نبودن مسئله آزادی یا استبدادستیزی یا دموکراسی خواهی نیست - که هر کدام از اهمیت والایی برخوردارند و باید برای دستیابی به آن ها تلاش کرد - بلکه بحث در رد روش گزینش تاریخ براساس خواست و گرایش های امروزی است!

ماجرای فردوسی

با ضعیف شدن انجمن ها در اثر اختلافات و فشارهای داخل و خارج از دانشگاه و عدم توانایی برگزاری انتخابات توسط انجمن اسلامی، طبق مهلتی که از طرف دانشگاه داده شده بود، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی به صورت خودکار و طبق قانون منحل شد. پس از مدتی از انحلال انجمن فراخوانی

جهت تشکیل هیئت مؤسس در دانشگاه داده شد. با اعلام نتایج بررسی هیئت نظارت، گروهی از فعالین دانشجویی و افراد مرتبط با اعضای طیف شیراز انجمن های اسلامی که در بحران های پس از انشقاق همواره سعی در نجات انجمن ها داشت، مجوز احیای مجدد انجمن اسلامی دانشجویان را دریافت کردند. در این میان علی رغم درخواست هیئت مؤسس برای ارتباط و بهره گیری از سایر گروه های متقاضی این امکان متأسفانه از سوی دانشگاه فراهم نشد و پس از ماه ها تلاش اساسنامه انجمن اسلامی مورد قبول واقع شده و اولین شورای مرکزی در دوره جدید تشکیل شد.

پس از انتخابات ۹۲ و تلاش عده ای از دانشجویان برای ایجاد تشکیلی دانشجویی، ادعاها برای «بازپس گیری» انجمن اسلامی هم آغاز شد! خارج از اینکه اصولاً این بازپس گیری ادعایی «هیچ» مبنای قانونی نداشت.

با وجود خالی از منطق بودن ادعاها، انجمن اسلامی دانشجویان از ابتدای طرح موضوع برای روشن شدن بحث جلسات متعددی با مدعیان برگزار کرد و حتی با شرط پذیرش چارچوب انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه مدعیان را دعوت به فعالیت در انجمن نمود ولی به نظر می رسید که مسئله چیز دیگریست. درخواست هایی که از طرف گروه مدعی مطرح می شد از قبیل تغییر در اساسنامه (که با توجه به ساختار انجمن اسلامی روندی تشکیلاتی و طبق نظر شورای مرکزی و مجمع عمومی دارد) و یا برگزاری انتخابات باز (که مخالفت با قانون شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین نامه تشکل ها داشته و درخواست کنندگان پس از تشکیل تشکل خود به غیرممکن بودن این درخواست واقف شدند!) عملاً راهی برای گفت و گو باقی نمی گذاشت!

از همان ابتدای طرح این مسائل نیز قصد طرح ادعاها در فضایی منطقی وجود نداشت و بیشتر در سخنرانی ها و میتینگ ها و جشن ها صحبت هایی هیجانی و پراکنده مطرح می شد که متأسفانه همچنان نیز ادامه پیدا می کند. بنظر می رسد که شأن فضا های دانشجویی فراتر از اینگونه ادعاها است؛ خصوصاً اگر سابقه ای از فعالیت، هرچند کوتاه، در طراحان آن ها ببینیم که آن وقت است که باید بابت عدم توفیق دانشگاه در رشد فعالین سیاسی و اجتماعی خود تأسف بخوریم!

در پایان باید این نکته را یادآور شویم که هویت هر جمع و تشکیلی را نه تعاریف ما و نه قرائت های تاریخی گزینشی بلکه فعالیت ها و رفتارها و گفتارهای آن جمع خواهند ساخت و این ها هستند که هویت ساز اند! انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز نیازی به اثبات خود در قالب تعاریف و سخنرانی ها نمی بیند چرا که فعالیت های روشن و رویکردهای مشخص این تشکل در این سال ها کارنامه آن را نشان می دهد. «انجمن اسلامی اصیل» در نسبت این کارنامه ها با واقعیت تاریخی و تعریف اصیل از انجمن های اسلامی سنجدیده می شود و نه در فریادها و سخنرانی ها و تاریخ نویسی ها! سخن استحاله زمانی صادق است که اولاً نسبت خود را با گذشته بشناسیم و ثانیاً نشانه ای بر عدم پایبندی به گذشته تاریخی بیابیم و ثالثاً خود در مظان اتهام زیرپا گذاشتن آرمان ها نباشیم!

ضامن برجام



حشمت‌الله موشایغی

مهندس مکانیک ۹۶

مقدمه

اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در فعالیت‌های اقتصادی آن هم در شرایط فعلی که کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند بر کسی پوشیده نیست. با توجه به اینکه ایران جزو کشورهایی که دارای منابع طبیعی سرشار علی‌الخصوص نفت و گاز می‌باشد گمان آن می‌رود که سرمایه‌گذاری خارجی برای ایران اهمیت زیادی نداشته باشد اما بدلیل مشکلات فراوان اقتصادی از قبیل: تورم، توزیع ناعادلانه درآمد و بهره‌وری پایین، امکان انباشت سرمایه وجود ندارد لذا در این شرایط لازم است تا از طریق جذب سرمایه‌های خارجی این خلأ در اقتصاد کشور پر شود. باید توجه داشت که جلب اعتماد طرفین در یک معامله است که باعث انجام آن معامله می‌شود. بنابراین مهیا کردن شرایط برای سرمایه‌گذاران خارجی از شروط اساسی است که متولیان امور اقتصادی در کشور باید برای آن تلاش کنند. یکی از مواردی که سبب ایجاد اعتماد و اطمینان برای سرمایه‌گذار خارجی می‌شود مسئله شفافیت مالی است. همکاری ایران با گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی (FATF)^۱ در سال ۹۵ سبب شد تا ریسک اعتباری^۲ ایران کاهش یافته و تبع آن جذب سرمایه‌های خارجی افزایش یابد. اما در این چند وقت اخیر بحث‌های فراوانی پیرامون اینکه پذیرفتن توصیه‌های FATF چه فوایدی برای کشور دارد شکل گرفته و حتی بعضی معتقدند که همکاری با FATF به مثابه خیانت به کشور می‌باشد! در این مقاله سعی شده تا به طور خلاصه به ابعاد این ماجرا پرداخته شود.

FATF

گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۸۹ و با پیشنهاد گروه ۷ تاسیس شد. در این گروه ۳۵ کشور توسعه یافته عضو هستند. اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز دو سازمان منطقه‌ای عضو گروه ویژه‌اند. اسرائیل و عربستان سعودی و به تازگی اندونزی هم در این سازمان به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده‌اند. FATF مجموعه‌ای از توصیه‌ها را به کشورهای عضو دارد که از اهداف عمده آن می‌توان به گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم اشاره کرد. هم‌اکنون ۱۹۸ کشور جهان پذیرفته‌اند که توصیه‌های FATF را اجرا نمایند. بنابراین گروه ویژه اقدام مالی می‌تواند معیار و میزان مناسبی برای سرمایه‌گذار خارجی باشد. از همین روی کشورهای مختلف تلاش دارند به توصیه‌های FATF عمل کنند تا سرمایه‌گذاران خارجی با خاطری آسوده در کشورشان به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند.

FATF و ایران

(در ادامه به جای کلمه FATF کلمه سازمان جایگزین می‌شود.)

سازمان همه کشورهای جهان را براساس پایبندی به

این مجموعه توصیه‌ها به چهار دسته استاندارد، در حال پیشرفت، غیرهمکار و لیست سیاه دسته‌بندی می‌کند. نام جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار در کنار کشورهای پاکستان، ازبکستان و ترکمنستان در سال ۲۰۰۹ میلادی در لیست سیاه سازمان قرار گرفت. این لیست شامل کشورهایی است که از نظر کارشناسان این سازمان در مبارزه علیه پولشویی و تامین مالی تروریسم همکاری نمی‌کنند. متأسفانه در سال‌های بعدی نه تنها نام ایران از این لیست حذف نشد بلکه ایران در کنار کره شمالی در صدر لیست سیاه سازمان و حتی فراتر از آن قرار گرفت به طوری که رسماً درخواست اقدامات مقابله‌ای علیه ایران و کره شمالی صادر شد. سازمان از ایران درخواست کرده بود تا نواقص قوانین داخلی در حوزه‌های پولشویی و تامین مالی تروریسم را برطرف نماید. اما ظاهراً عزمی برای رفع ایرادات در میان مسئولین وقت وجود نداشت تا اینکه در سال ۹۴ لایحه‌ای با نام «قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم» از طرف دولت به مجلس ارسال شد که در زمستان همان سال تصویب و به دولت ابلاغ شد. دولت سه لایحه دیگر را نیز به مجلس ارسال کرده که دو مورد از آنها یعنی لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته (پالرمو) و لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی به تصویب رسید و لایحه قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم یا همان CFT نیز با حواشی بسیار در نهایت در روز یکشنبه چهاردهم مهرماه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

دعوا بر سر چیست؟

همانطور که اشاره شد عده‌ای در داخل کشور، پیوستن به سازمان و تبعیت از توصیه‌نامه‌های آن را خیانت به کشور و ترک‌منچای دیگری می‌دانند. ایراد اصلی مخالفان این است که تبعیت از توصیه‌های سازمان باعث خودتحریمی کشور می‌شود. سید حسین نقوی حسینی سخنگوی فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس در گفتگو با ایسنا بیان داشت: «با توجه به اینکه آمریکا تحریم‌های ثانویه خویش را به اجرا گذاشته و این تحریم‌ها از سازمان بالاتر است و موسسات مالی و بانک‌های جهانی در صورت همکاری با ایران مشمول جریمه‌های سنگین می‌شوند بنابراین تبعیت از این سازمان تنها دست و پای کشور را می‌بندد.» نگرانی مخالفان به این دلیل است که آنها معتقدند در صورتیکه ایران توصیه‌های سازمان را به اجرا بگذارد دیگر نمی‌تواند به گروه‌های مقاومت در منطقه کمک مالی کند چرا که این گروه‌ها از دیدگاه جامعه جهانی گروه‌های تروریستی شناخته می‌شوند و به همین خاطر اجرای این توصیه‌ها باعث می‌شود که ایران با دست خودش خودش را تحریم کند. این درحالیست که کشورهایی همانند سوریه و لبنان نیز خود را موظف به تبعیت از توصیه‌های سازمان می‌دانند! اما در مقابل موافقان معتقدند قبول توصیه‌های سازمان بسیار مسئله مهم و ضروری برای اقتصاد کشور می‌باشد چرا که فارغ از بحث تحریم‌های آمریکا برای کشورهای دیگر همچون کشورهای اتحادیه اروپا که قرار است طی ساز و کاری مشخص با ایران مطابق توافق برجام روابط اقتصادی داشته باشند، توصیه‌های

سازمان بسیار اهمیت دارد. اساساً سازمان فارغ از مسائل سیاسی، ملاکی برای جلب اعتماد طرف‌های خارجی است و بنابراین بدون در نظر گرفتن شرایط فعلی در خصوص روند اجرای برجام و تحریم‌های آمریکا بایستی به این موضوع توجه کرد. حمید بیعی نژاد سفیر ایران در انگلستان و دیپلمات سابق هسته‌ای، اخیراً با انتشار عکسی در صفحه توئیتر خود اعلام کرد که بانک مرکزی چین، موسسات مالی و بانکی ایران را بدلیل عدم پایبندی به توصیه‌های سازمان در صدر فهرست کشورهای با خطرپذیری بالا قرار داده است. این در حالی است که چین هم به توافق برجام پایبند است و هم اینکه شریک راهبردی ایران محسوب می‌شود و ارزش مبادلات اقتصادی این کشور با ایران به حدود ۶۰ میلیارد دلار در سال می‌رسد. محمود صادقی دیگر نماینده موافق سازمان در مجلس شورای اسلامی معتقد است که تبلیغات گسترده برخی محافل خاص علیه سازمان بطور ضمنی دلالت بر آن دارد که اذعان دارند در سطح گسترده مرتکب قاچاق و پولشویی و تامین مالی تروریسم هستند. او در صفحه توئیتر خود کاهش رقابت پذیری، اثرات منفی بر نرخ تورم و نرخ بهره، تاثیر در نرخ ارز، کاهش سرمایه‌گذاری مولد و کاهش اشتغال مولد و افزایش بیکاری نسبی را برخی از آثار منفی پولشویی اعلام کرده که با پذیرفتن توصیه‌های سازمان می‌توان از آنها جلوگیری کرد. محمد جواد ظریف نیز در دفاع از لایحه CFT در مجلس بیان داشت: «روس‌ها به ما گفته‌اند، اگر وضعیت ایران در سازمان عادی نشود، نمی‌توانیم با ایران کار کنیم.» روسیه نیز همانند چین کشوری است که پایبند به برجام می‌باشد و از آن حمایت می‌کند اما در مورد وضعیت ایران در سازمان حساس است چرا که اساساً FATF سازمانی غیردولتی است و همانطور که بیان شد معیار مناسبی برای بررسی ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف می‌باشد. لذا کشورهای مختلف برای تامین و حفاظت از منافع اقتصادی خویش نسبت به این موضوع بسیار حساس هستند و اکنون شاهد هستیم که فرقی هم نمی‌کند آن کشور به زعم خودمان می‌خواهد دوست باشد یا دشمن به هر صورتی که هست همه کشورها به دنبال منافع ملی خویش هستند و مسئله شفافیت مالی نیز موضوع مهمی است که مربوط به این امر می‌باشد. در انتها باید گفت آنطور که بنظر می‌رسد، مخالفت با سازمان بیش از آنکه از سر دلسوزی و نگرانی برای کشور باشد بیشتر جنبه سیاسی و جناحی پیدا کرده است. این جنس از مخالفت‌ها و سر و صداها را می‌توان در روزهای مذاکرات هسته‌ای به یاد آورد که چگونه عده‌ای آسمان و ریسمان را به هم می‌بافتند تا بگویند این مذاکرات و نهایتاً توافق برجام ثمری نخواهد داشت اما شاهد بودیم که پس از خروج آمریکا از برجام همین افراد چگونه تغییر موضع دادند و نگران افزایش تحریم‌ها شدند!

پی‌نوین:

1. Financial Action Task Force on Money Laundering

۲. ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد.

میراث پدر



محمد شیخ علی

ارشد محصل درس عمران زفره ۹۵

شهریور ۵۹ ایران پدری را از دست داد که باعث وحدت جریان‌های فکری سیاسی و محل رجوع و حل مشکلات بود. پدری که عباى رحمت همگانی وی از بنیادگرایان اسلامی تندرو تا مارکسیست‌های غیر مذهبی را شامل می‌شد. پدری که همین رحمانیتش عامل جلوگیری از ایجاد تفرقه و خشونت در میان جریان‌های سیاسی بود. پدری که اگر می‌ماند خشونت‌های افسارگسیخته فرزنداناش علیه یکدیگر در دهه ۶۰ خونین اتفاق نمی‌افتاد. پدری که نه تنها مفهوم «رحمت همگانی» میراثی است که از وی برای فرزندان برجای مانده، بلکه مفاهیمی چون «شورا»، «تاختن بر استبداد دینی»، «مالکیت اسلامی» و «نماز جمعه» نیز میراث ارزشمند اوست. پس از ۴۰ سال از فقدان وی شاید نیاز به مروری مجدد به این میراث عظیم بیش از هر زمان احساس شود.

رحمت همگانی

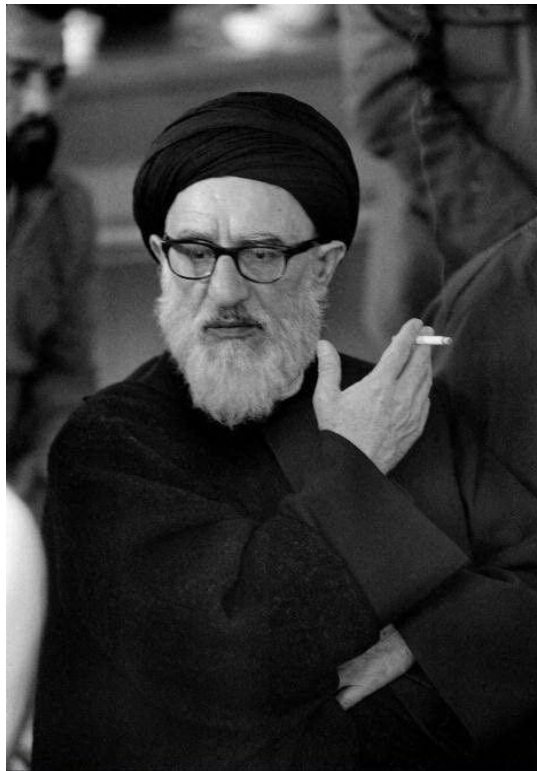
آیت الله نه تنها یک فعال سیاسی که یک متفکر و نواندیش اسلامی، نه تنها یک متفکر که یک مفسر، قرآن پژوه و یک مجتهد بود. نه از عرصه نظر دست می‌کشید و نه عرصه عمل را خالی می‌گذاشت و این دو مکمل و منطبق بر هم بود. کسی که درب خانه‌اش به روی همه باز و پناه‌گاه بی‌پناهان بود. عباى رحمت وحدت بخشش همه را شامل می‌شد. وی در تفسیر قرآن نیز بیان نوینی را در بسیاری از موضوعات، عبارات و مفاهیم ارائه می‌دهد که ریشه‌های عملکرد اجتماعی-سیاسی‌اش را تبیین می‌کند. از آن جمله ترجمه تازه‌ای است که در مقابل عبارت «رحمن» پرتکرارترین صفت الهی در قرآن مطرح می‌سازد و آن را به معنای «دارای رحمت عام» و در برابر «رحیم» به معنای رحمت خاص قرار می‌دهد. در مورد این عبارت در پرتوی از قرآن می‌آورد: «ربوبیت حق از جهت قهر و غلبه و فشار بر موجودات نیست. بلکه از جهت دو رحمت عام و خاص است که موجودات در پرتو این دو نوع رحمت پرورش می‌یابند.»

شورا

در روز وداع با پدر طالقانی جمعیت عزادار، این میراث را فریاد می‌زدند تا به دست فراموشی سپرده نشود. «وصیت طالقانی شهادت بود و شورا» چرا که سه روز پیش از این واقعه بود که امام جمعه تهران در آخرین نماز جمعه‌اش به این دو موضوع پرداخت و بالاخص در رابطه با مسأله شوراها تأکید کرد که: «صدها بار من گفتم که مسأله شورا از اساسی‌ترین مسائل اسلامی است. حتی خدا به پیغمبرش با آن عظمت می‌گوید با این مردم مشورت کن. به این‌ها شخصیت بده. بدانند که مسئولیت دارند. متکی به شخص رهبر نباشند. ولی نه اینکه نکردند، می‌دانم چرا نکردند. هنوز هم بحث می‌کنند در این اصل اساسی قرآن... امام دستور می‌دهد، ما هم فریاد می‌کشیم، دولت هم تصویب می‌کند. ولی عملی نمی‌شود... گروه‌ها و افراد دست اندرکار شاید این طور تشخیص بدهند که اگر شورا

باشد دیگر ما چه کاره‌ایم؟! شما هیچ، بروید دنبال کارتان. بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند.» در نگاه طالقانی چنان تأکید بر شورا محوریت دارد که متفکری چون دکتر فیرحی در این باره می‌نویسد: «طالقانی نظریه پرداز شورا و قهرمان شورಾಗرای در تشیع امروز است... شورا آواز قوی طالقانی است. اگر هر اندیشمند اصیلی در تمام عمر خود یک حرف برای گفتن و یک پیام برای بشریت داشته باشد، این سخن و پیام برای طالقانی همان شورا است که فشرده تمام دستاورد او از عمری قرآن ورزی است.»

نگاه وی به این مسأله یک نگاه جامع بود و به شورا



به عنوان یک روش جامع مدیریتی در تمام ارگان‌ها، سازمان‌ها، محلات، تفکرات و... می‌پرداخت. در نگاه آیت الله شورا هم یک روش برای حکومت، هم مدیریت روستاها، شهرها و موسسات مالی همچون کارخانه‌ها بود و نه فقط این‌ها، بلکه در مقاله مؤتمر اسلامی تشریح می‌کند که نیاز به نهادی شورایی در بین مجامع اسلامی به شکل جدی حس می‌شود. یا در جای دیگر به ضرورت تشکیل شورای فقهاتی به جایگزینی فقیه اعلم می‌پردازد. طالقانی نه تنها این مسأله را به عنوان یک نظریه مطرح می‌کند، بلکه به دنبال تحقق بیرونی آن هم هست. نه به صورت آرمان خواهانه، بلکه به صورت عملی و گام به گام. وی به عنوان نماینده ایران در مؤتمر اسلامی شرکت می‌کند. در دل هیاهوی سال نخست انقلاب به کردستان رفته و شورای شهر تشکیل می‌دهد و برای تشکیل سراسری آن به سراغ رهبر انقلاب، شورای انقلاب و دولت موقت می‌رود. در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی به این مسأله می‌پردازد و در نماز جمعه برای آن فریاد می‌کشد. هرچند نه تنها در دوران زندگی‌اش، بلکه پس از وی نیز ایده شورا به اجرا درنیامد. پدر این فرصت را نیافت تا این نظریه عظیم را تکمیل کند و نظریه شورا به عنوان ایده‌ای که در مسیر شدن بود، با رفتن پدر رها ماند.

تاختن بر استبداد دینی

شاید اگر به حجم مطالبی که سید محمود طالقانی در مورد استبداد دینی به رشته تحریر درآورده توجه کنیم، میزان دغدغه اندازگونه ایشان در این خصوص را بتوان درک کرد. وی بارها به تشریح مصائب و مشکلاتی که استبداد دینی در اروپای قرون وسطی ایجاد کرده بود و جنایات ناشی از آن اشاره کرد. در خصوص نفی هرگونه استبداد در پاورقی کتاب تنبیه «الامه و تنزیه المله» علامه نائینی می‌آورد: «سلطنت غیر محدود هم غصب حق خدای تعالی می‌باشد، چون حکم و اراده مطلق از آن حق است. و هم غصب مقام امامت است و هم غصب حقوق و نفوس و اموال مسلمانان...» راه حل محدود کردن استبداد را در نظریه شورا می‌داند و با تأکید بر انطباق دموکراسی با دین اشاره می‌کند: «ظالم‌پرستان و مستبدترشان به نام دین اگر به کتاب و سنت ایمان و از آن خبر داشتند، باید این شورا را که ارث اسلام است و به ما برگشته، از خود بدانند و محکم بدانند. نه با دین مخالفش شمارند!»

مالکیت اسلامی

یکی از موضوعات مورد تأکید ابوزر زمان ما، موضوع عدالت اجتماعی بود. او که در زندان دوران پیش از انقلاب با مارکسیست‌ها هم‌بند و هم‌سخن بود، با اشارات به توصیه‌های اقتصادی اسلام، تأکید اسلام و علی‌الخصوص مذهب شیعه را بر عدالت اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید قرار می‌داد. به همین جهت نیز در مقابل فشار فکری و اندیشه‌ای جریان‌های چپ غیر دینی کتاب «مالکیت در اسلام» را به رشته تحریر درآورد.

نماز جمعه در تشیع

اگر نگاهی به تاریخ تشیع پس از دوران صدر اسلام بیندازیم، خواهیم دید که تشیع اثنی عشری هیچ زمان تا پیش از صفویه امکان ایجاد یک حکومت گسترده و باثبات شیعی را نیافت. به همین سبب برگزاری نماز جمعه که یک مراسم مردمی-حکومتی بود، هیچ زمان مقدور نگردید. شاید به سبب همین وضع ناگوار بود که بسیاری از فقهای شیعه نماز جمعه را مشروط به حضور امام معصوم کرده و یا به هر صورتی از وجوب برگزاری آن صرف نظر می‌کردند. بنابر همین تفکرات ریشه دار بود که حتی پس از بر روی کار آمدن حکومت صفوی، به رغم تلاش‌های شاه و علما، مردم استقبال از این حکم اسلامی انجام نمی‌دادند و این بنیان اسلامی در انحصار اقلیتی خاص قرار گرفت. تا آن زمان که پس از انقلاب، پدر ملت سعی در احیای این فریضه داشت و همین امر باعث شد پرشکوه‌ترین و جامع‌ترین نماز جمعه تاریخ تشیع رقم بخورد. هرچند این میراث گران‌بها همچون سایر میراث وی از دست رفت و نماز جمعه به انحصار گروهی خاص درآمد.

دکتر علی شریعتی در تعبیری ناب، طالقانی را به «مناره‌ای در کویر» این سرزمین تشبیه می‌کند و چه تعبیر دقیقی است. از پدری که فریادهایش، بشارت‌ها و اندازهایش از بلندای مناره اسلام رحمانی مؤثر نیفتاد و در کویر بی سرانجامی این سرزمین رها شد. ولیکن امید است این میراث ماندگار برای نسل‌های جدید ایجاد اثر نماید.

بے تفاوتی اجتماعی



روح الله نوآبادی

ارشد علوم اجتماعی ۹۶

اغلب محققان و جامعه‌شناسان ایرانی بر این باورند که جامعه ایران در شرایط بحرانی و آنومیک به سر می‌برد. شرایط آنومیک وضعیتی است که با بی‌هنجاری، ضعف هنجاری و تعارض همراه است. یکی از دلایل وجود این شرایط در ایران، قرار گرفتن کشور در دوره گذار از سنت به مدرنیته می‌باشد. متخصصان در تعاریفی که برای جامعه آورده‌اند، شرایطی را برای سلامت آن متصور شده‌اند. از نشانه‌های سلامت یک جامعه این است که اعضای آن مستمرا در تعامل با هم بوده، احساس همبستگی بین افراد وجود داشته باشد و افراد نسبت به موضوعات مختلف احساس مشترک داشته باشند و نسبت به آن دغدغه مند باشند.

با استناد به تحقیقات بسیاری از پژوهشگران حوزه اجتماعی (بطور مثال: محسنی و صداقتی فر، ۱۳۹۰؛ حمدالله نادری و همکاران، ۱۳۸۸؛ صمد کلاتنری و همکاران، ۱۳۸۶) به این نتیجه می‌رسیم که میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در سالهای اخیر رو به فزونی گذاشته است. بدین معنا که میانگین میزان بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی، فردگرایی و ... بالاتر از حد متوسط و نرمال می‌باشد.

همچنین با استناد به تجارب تاریخی، می‌توان این نکته را برداشت کرد که نقطه مقابل بی‌تفاوتی اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مصداق بارز مشارکت اجتماعی را می‌توان در نقطه عطف‌های کشور در سال‌های انقلاب اسلامی مشاهده کرد. بطوریکه چه در دوران انقلاب و چه پس از آن و در همه پرسی ۱۲ فروردین ۵۷، مردم حضور چشمگیری داشتند. اما با نگاهی به آمارها، می‌توان فهمید که با گذشت زمان و فاصله گرفتن کشور از دوران جنگ و انقلاب، میزان مشارکت مردم در انتخابات‌ها، کاهش یافته است. بطوریکه در انتخابات سال ۱۳۸۰، ۳۰ درصد از واجدین شرایط، در انتخابات مشارکت نداشته‌اند. همینطور بر اساس تحقیق چند پژوهشگر در شهر تهران، نتایج به دست آمده بدین شرح است: ۳۸٫۴ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی بالا، ۵۸٫۴ درصد احساس بی‌تفاوتی اجتماعی متوسط و تنها ۳٫۳ درصد شرکت‌کنندگان تهرانی این پژوهش احساس بی‌تفاوتی اجتماعی پایین داشته‌اند.

در اهمیت بی‌تفاوتی برای محققین همین بس که یکی از جامعه‌شناسان به نام آبرل معتقد است که در هر جامعه شرایطی بنیادین وجود دارد که در صورت عدم وجود آنها، جامعه دچار اختلال می‌شود. یکی از مهمترین این عوامل این است که اعضای یک جامعه، دچار بی‌تفاوتی شوند. این امر تا جایی پیش می‌رود که تمام ساختارهای موجود را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

اندیشمندان تعاریف مختلفی برای بی‌تفاوتی اجتماعی آورده‌اند. برخی آن را بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و افسردگی اجتماعی می‌دانند. عده‌ای آن را یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن دانسته‌اند که با تاکید بیش از حد بر ترجیحات و منافع شخصی نمایان می‌شود. تعدادی از محققان بی‌تفاوتی اجتماعی را

مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و عدم مشارکت افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنا کرده‌اند و آن را مقابل علاقه اجتماعی، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده‌اند.

از مصادیق بی‌تفاوتی که در دایره‌المعارف علوم اجتماعی آورده شده است، می‌توان به واقعه ۱۹۶۴ ایالات متحده اشاره کرد که در آن، حدود ۳۸ نفر شاهد کشتار زنی در شهر نیویورک بودند؛ بدون آنکه از خود واکنشی نشان دهند. از مصادیق بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران نیز می‌توان به واکنش مردم به حادثه میدان کاج تهران، هسرکشی در خیابان پاسداران، جنایت پل مدیریت تهران اشاره کرده که در این صحنه‌ها، مردم به صورت افرادی موبایل به دست در حال فیلمبرداری از آن موقعیت می‌باشند. آبان ماه ۱۳۸۹ میدان کاج تهران محل نزاعی خونین در مقابل دیده‌های مردم و دو مامور پلیس بود، خشونت که ۴۵ دقیقه طول کشید و مردی با چاقو مرد دیگری را سلاخی کرد ولی مردم، بی‌تفاوت، فقط نگاه کردند و فیلم گرفتند.

عوامل بسیاری است که عموم جامعه‌شناسان، آنها را مسبب بروز این پدیده اجتماعی می‌دانند. از جمله افزایش کاربرد فضای مجازی در زندگی روزمره، رشد صنعت و تکنولوژی، تغییر فرهنگ شهر نشینی و سبک زندگی افراد، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش تحرکات

یا شدیداً کم‌رنگ شده است. بطوریکه افراد حتی از نیازمندان اطراف خود بی‌خبر اند و باید برای کمک به نیازمندان، جشن‌های گلریزان برپا کرد. علاوه بر این، بی‌تفاوت شدن شهروندان، مسائل دیگری را در سطح کشور به وجود خواهد آورد. شهروندی که در برابر شهروند دیگری، احساس مسئولیت نکند، احساس تهدد و مسئولیتی نیز نسبت به کشورش هم ندارد و نسبت به توسعه و یا عدم توسعه آن، بیگانه می‌شود. این عامل به مرور زمان به کاهش انسجام در جامعه و گسست‌های عمیق بین شهروندان با هم و شهروندان با حکومت می‌انجامد. علاوه بر موارد آورده شده، این مسئله اجتماعی، پدیده‌های دیگری را نیز به همراه دارد. پدیده‌هایی همچون بروز احساسات رادیکال و غیر منطقی در بین مردم، ایجاد احساسات شدید قومیت‌گرایی (که منجر به احساسات خود برتر بینی می‌شود که نتیجه آن نزاع بین قومی است)، ایجاد و تشدید احساسات تجزیه طلبانه در شهروندان ساکن در مناطق مرزی، فرار نخبگان و افراد متخصص از کشور و ...

در زمینه رفع مسئله بی‌تفاوتی اجتماعی، چندین مولفه دخیل‌اند. از جمله اعتماد درون خود شهروندان، اعتماد بین مردم، حاکمیت و نهادهای مدنی. حاکمیت باید با استفاده از ابزارهای فرهنگی و آموزشی، اعضای



جامعه را به سمت انجام امور خیرخواهانه تشویق کند؛ بطوریکه افراد از این نکته اطمینان داشته باشند که خیر و منفعت شخصی‌شان، در خیر و نفع جمع و اجتماع است. در این صورت است که افراد، به انجام امور جمعی سوق داده می‌شوند. نهادهای مدنی، نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش باید آموزش را از کودکی آغاز نموده و با اصلاح نظام آموزشی، کودکان را از ابتدا مسئولیت‌پذیر، مشارکت‌جو و علاقه‌مند به انجام فعالیت‌های گروهی پرورش دهند.

منابع:

پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران؛ محسنی تبریزی و صداقتی فر
بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان؛ قاضی زاده و کیانپور
خودکشی؛ امیل دورکیم
نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر؛ جرج ریتزر

جمعیتی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت، رشد ارتباطات موزائیکی، عقلانی شدن رفتار انسان‌ها، گسترش تفکرات محاسبه‌گرایانه و منفعت طلبانه در افراد، رشد چشمگیر فردگرایی، ضعف اعتقادات مذهبی، از بین رفتن هویت‌های گروهی و محله‌ای. بی‌تفاوتی اعضای یک جامعه، آثار عمیق و شدیدی بر پیکره آن اجتماع می‌گذارد. زمانیکه تعاملات اجتماعی گرم افراد دچار اختلال شود، میزان بی‌تفاوتی افراد از یکدیگر کاهش می‌یابد و به مرور زمان، به کاهش مسئولیت‌پذیری در عرصه‌های اجتماعی منجر می‌شود. بطور مثال در گذشته، بر طبق تعالیم دینی و اجتماعی، افراد از احوال یکدیگر و همسایگان خود با خبر بوده‌اند. اما امروزه با توجه به تغییرات به وجود آمده، این امر یا به کلی از بین رفته است و

احمد محمود نویسنده‌ای برای تمامه فصول

ملیکا مقدم

علوم اجتماعی ۹۴



هر بار که لیست پر فروش‌ترین کتاب‌های ماه یا سال را زیر و رو می‌کنم، چشم نام احمد محمود، رمان‌ها و داستان‌های کوتاهش را می‌کاود و بی‌حاصل از جستجو، خشک بر جای خالیش باقی می‌ماند. نمی‌دانم خوانندگان نوین، احمد محمود را نمی‌شناسند یا او را نویسنده‌ای مربوط به زمان خود فرض می‌نمایند که در صورت دوم کاملاً غرق در خطا هستند، زیرا احمد محمود جزو معدود نویسندگانی است که برای آثارش هیچ تاریخ انقضایی نمی‌توان در نظر گرفت؛ شاید سخنم را بی‌پایه و اساس بی‌انگارید، اما در ادامه با معرفی خود او و بررسی یکی از مشهورترین رمان‌های وی سعی در گشایش این موضوع خواهم داشت.

احمد محمود که نام حقیقی‌اش «احمد اعطا» است، به تاریخ ۴ دی ۱۳۱۰ در شهر اهواز دیده به جهان گشود، اهواز شهری است که در جان احمد محمود رخنه نمود به گونه‌ای که اهواز با تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی‌اش دست و قلم احمد محمود گشت؛ آن‌طور که خواننده‌ای چون من که تاکنون اهواز را به چشم ندیده است، با خواندن چندین داستان و رمان او می‌تواند با چشم بسته قسمت به قسمت شهر را گام زند و با ساخت اجتماعی اهواز، شهری که در طول تاریخش دامگه حوادث و بحران‌های گوناگون بوده‌است، زندگی کند.

احمد اعطا در سن بیست و دو سالگی و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به علت فعالیت‌های سیاسی دستگیر و شش ماه در اهواز زندانی بود، که شاید همین تجربیات وی، این نویسنده را به شرح دقیق کودتای ۲۸ مرداد و حوادثش در رمانی از او به نام «همسایه‌ها» واداشته است.

این نویسنده در سال ۱۳۳۳ نویسندگی خود را با نخستین داستان کوتاه خود به نام «صب میشه» در مجله امید ایران منتشر نمود و سبک رئالیسم اجتماعی برای خود برگزید.

در ادامه به بررسی یکی از مهم‌ترین آثار وی به نام «زمین سوخته» می‌پردازم.

زمین سوخته اثری از احمد محمود است که به سال ۱۳۶۱ منتشر گشت. این رمان در باب جنگ ایران و عراق نگاشته شده است و از نقطه آغاز جنگ و دادن خبر آن به مردم شهر اهواز داستان خود را شروع می‌کند و سه ماه نخست جنگ ایران و عراق را که حاصل تجربه زیسته و مشاهده خود اوست، به وصف در می‌آورد.

خود احمد محمود در باب رمان زمین سوخته می‌نویسد:

«وقتی خبر کشته شدن برادرم را در جنگ شنیدم، از تهران راه افتادم رفتم جنوب، رفتم سوسنگرد، رفتم هویزه، تمام این مناطق را رفتم، تقریباً نزدیک جبهه بودم. وقتی برگشتم، واقعا دلم تلنبار شده بود. دیدم چه مصیبتی را تحمل می‌کنم. اما مردم چه آرام‌اند، چون تا تهران موشک نخورد، جنگ را حس نکرد. دلم می‌خواست لاقبل مردم مناطق دیگر هم بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر وادارم کرد که زمین سوخته را بنویسم.»

رمان زمین سوخته احمد محمود با همان سبک همیشگی وی واقع‌گرایی یا رئالیسم اجتماعی نگاشته شد و شاید جزو معدود آثاری باشد که جنگ از تمامی جهات آن و با بررسی طیف‌های مختلفی از افراد درون یک جامعه‌ای که به تازگی بحرانی را درون خود تجربه می‌کند توصیف می‌نماید.

نویسنده رمان خود را با ناباوری شخص اول داستان در مقابل خبر جنگ که از گوشه و کنار شهری که درگیر روزمرگی‌های خود است، شنیده می‌شود آغاز

می‌کند و این ناباوری و واکنش اولیه را از سطح فردی به سطح خانواده با اعضا آن از سنین مختلف با تعلقات روحی گوناگون ادامه می‌دهد، اما در این سطح نیز نمی‌ماند و با انتقال این خبر به جامعه و واکنش‌های افراد مختلف کار خود را پیش می‌برد.

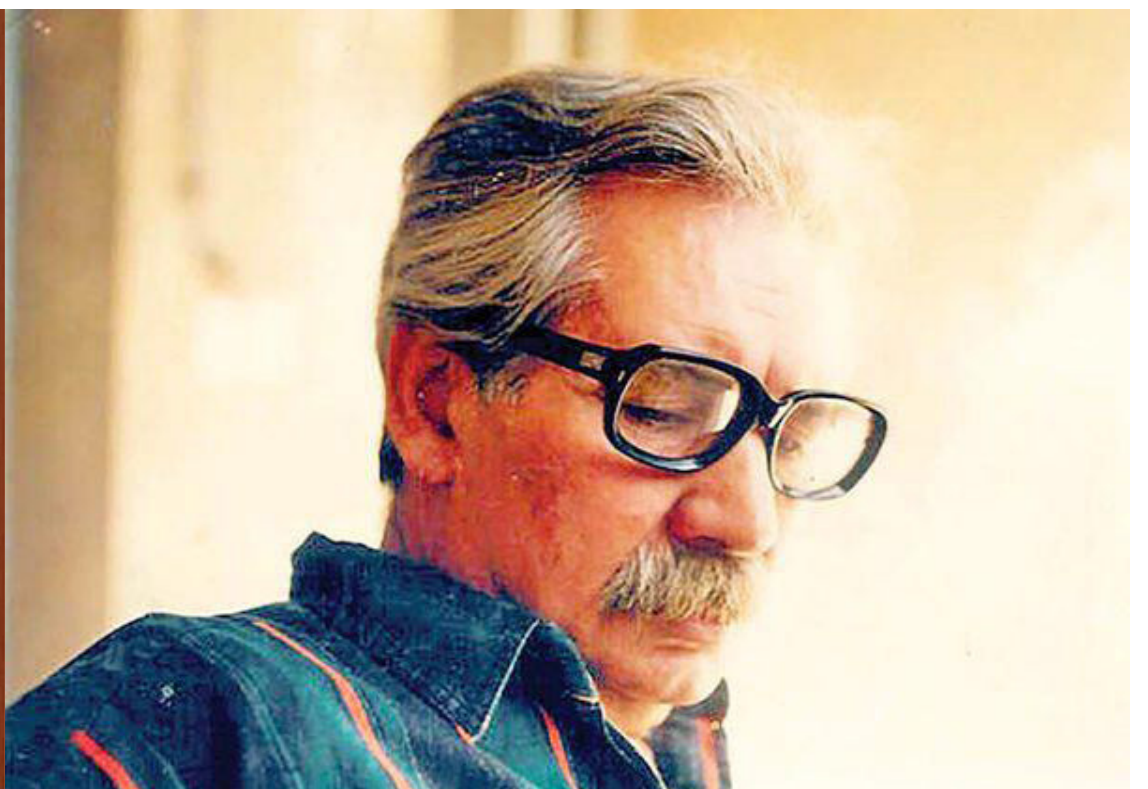
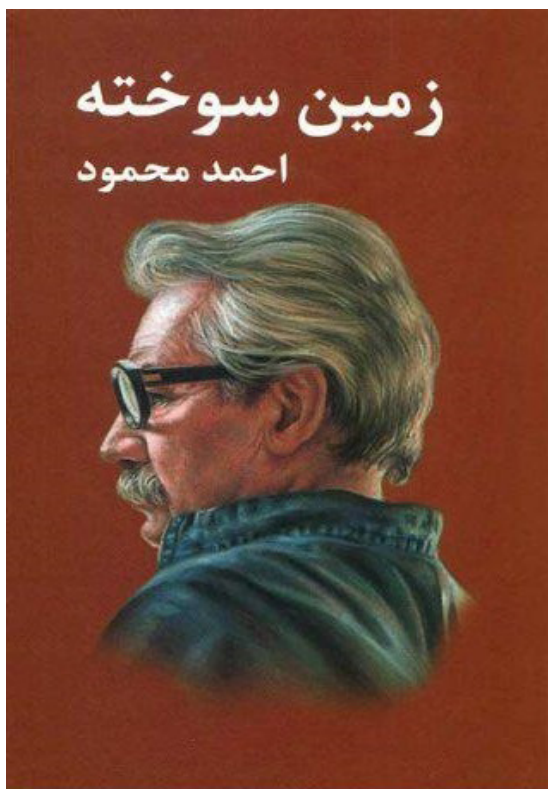
شخصیت پردازی افراد جامعه و افسار مختلف در این رمان یکی از برترین و مهم‌ترین مولفه‌های آن است. در میان روایت داستان با شخصیت‌های خنثی و معمولی، منفعت طلب و در کنار آن رشادت طلب برمیخوریم که این نوع شخصیت‌پردازی واقع‌گرایانه این نویسنده با شخصیت‌پردازی‌های ایده آل دیگر نویسندگان جنگ تحمیلی تفاوتی عظیم دارد.

عنصر دیگری را که در رمان می‌توان مشاهده کرد، نمود و بازنمایی وضعیت آنومیک جامعه بحران زده است، وضعیت آنومیک به وضعیتی گفته می‌شود که هنجار یکسان و مشخصی برای یک عمل در جامعه وجود نداشته باشد و در شرایط بحرانی وصف شده در رمان، افراد جامعه دچار سردرگمی در انجام اعمال خود و درست و غلط بودن آن می‌گردند که این وضعیت موجب به وجود آمدن چند پارگی در میان هم بستگی که مردم در مقابل شرایط بحرانی خواستار تشکیل آن هستند، می‌گردند.

در نهایت آنکه شاید هنوز قدر و منزلت زمین سوخته به کمال درک نشده است اما لیلی گلستان در مصاحبه‌ای که با احمد محمود داشته، می‌گوید که اثر او را بعد از ۱۲ سال دوباره خوانده است و این بار این اثر تاثیر بیشتری بر روی او گذاشته است، و در نظر لیلی گلستان و خود احمد محمود هر قدر که از انتشار این رمان می‌گذارد درک آن عمیق‌تر می‌گردد.

احمد محمود اما ۱۶ سال پیش در دوازدهمین روز از اولین ماه فصل پاییز با امید درک و فهم عمیق‌تر خوانندگان از آثار وی دیده از جهان فروبست.

زمین سوخته احمد محمود



گزارش فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش در مهر ماه ۹۷

اولین جلسه از سلسله جلسات کتابخوانی در دانشکده ادبیات



دیدار با دکتر محمود صادقی

عصر روز پنجشنبه دوازدهم مهرماه در حاشیه دیدار دکتر محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، با اعضای انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه فردوسی مشهد، جمعی از فعالین انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی نیز با ایشان ملاقات کردند. در این دیدار دغدغه‌های دانشجویان به صورت کلی بیان شد که عبارت بودند از مشکلات انجمن‌های اسلامی برای اخذ مجوز اتحادیه، گلابه از بی خبری فعالین اصلاح طلب و علی‌الخصوص کابینه دولت از فضای حاکم بر جو دانشگاه و عدم حضور ایشان در دانشگاه‌ها که متأسفانه صرفاً منتهی شده به ایام انتخابات، از بین رفتن جنبش دانشجویی و ابراز نگرانی از ادامه فعالیت همین تعداد اندک دانشجویان فعال با توجه به فضای سنگین امنیتی که منتهی به بازداشت و صدور احکام سنگین برای فعالان دانشجویی شده است، ضعف اطلاع رسانی بدنه دولت و فعالین اصلاح طلب که سبب شده دانشجویان برای پیگیری اخبار به کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های تلویزیونی خارجی مراجعه کنند و گلابه از وضع حاکم و افزایش ناامیدی در میان همه اقشار جامعه. در ادامه دکتر صادقی ضمن ابراز خوشحالی از دغدغه مندی دانشجویان و بیان اینکه «این سخنان حرف دل بنده نیز می‌باشد» به برخی از موارد مطرح



شده پاسخ دادند و در خصوص موضوع ناامیدی بیان داشتند که: «در زمان انتخابات شوراها همینجا [مشهد] در زمستان با دوستان مجمع جلسه داشتیم که جو عجیبی از ناامیدی وجود داشت و [دوستان] می‌گفتند که ما مشهد را از دست دادیم. منتهی بنده بیشتر صحبت‌هایم امید دهنده بود و گفتم اتفاقاً همین حس خودش برگ برنده شماست و می‌تواند نقطه قوت باشد و بنظرم نقطه قوت هم شد و در انتخابات شورا خوشبختانه نتیجه خیلی غیرمنتظره‌ای بدست آمد.»

حضور انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش در غرفه نورودی ۹۷



اولین اکران دانشجویی مستند توران خانم با حضور رخشان بنی‌اعتماد، مجتبی میرتھماسب، علی میرفرخایی و پندار خمارلو در آمفی تئاتر دانشکده مهندسی



عکاسان: کیمیا بیونقی، زهرا ضیایی

بیانیه پایانی نشست سالانه انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی مشهد

به نام پروردگار راستی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش دانشگاه فردوسی مشهد، اکنون پس از گذر از فراز و نشیب‌های بسیار این بار دوره دوم شورای مرکزی خود را به پایان می‌رساند. در گذر از این فراز و نشیب‌ها یکایکمان با موقعیت‌های مختلف در انجمن سختی‌ها و دشواری‌های بسیاری را تحمل نمودیم تا امروز بتوانیم در کنار هم فصلی نو را در انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش بگشاییم و نسلی نو را در این بین بیروانیم. ما نمایندگان انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش تلاش نمودیم با وجود کارشکنی‌های گوناگون همواره نماینده صدای آزاد در دانشگاه باشیم و نیروی خودمان را در جهت تقویت فضای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه به معنای واقعی در بستر فعالیت‌های سیاسی و تشکلی به کار گیریم.

منتخب شدند:

- روح‌الله نوآبادی، یاسمن مشایخی فرد، ملیکا مقدم، احمد خراشادی زاده، فرهاد شکوهی، گلنوش شادکام، علی عبادتیان، محمد شیخ زاده، حسین مهدویان
همچنین در اولین جلسه شورای مرکزی سوم نیز دبیران کمیته‌ها به شرح زیر از سوی این شورا اعلام شد:
- ۱- دبیر کمیته تشکیلات: روح‌الله نوآبادی
 - ۲- دبیر کمیته سیاسی: محمد شیخ زاده
 - ۳- دبیر کمیته روابط عمومی: حسین مهدویان
 - ۴- دبیر کمیته فرهنگی: ملیکا مقدم
 - ۵- دبیر کمیته حقوق شهروندی: یاسمن مشایخی فرد
 - ۶- دبیر کمیته آموزش: احمد خراشادی زاده
 - ۷- دبیر کمیته پشتیبانی: فرهاد شکوهی

به امید فردایی بهتر و ایران سرفراز

اکنون که دوره‌ای دیگر را پشت سر می‌گذاریم لازم است از تمامی اعضا و شورای هفت‌گانه دانشکده‌ها و هم‌چنین دانشجویانی که همواره ما را در میدان قلم و نشر همراهی نموده‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری نماییم. امروز با گذشت بیش از دو سال از فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان نواندیش، راه و هدف برای ما روشن‌تر شده است و نواقص و مشکلات و کاستی‌هایمان بر ما نمایان‌تر گشته است و امید داریم که در سایه این تجربیات نسل نو این انجمن، فعالیت خود را منسجم‌تر، هدفمندتر و نوآورانه‌تر از پیش از سرگیرد و برای آبادانی و سرفرازی ایران بکوشد.

در همین راستا در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۷ در نشست سالانه انتخابات شورای مرکزی با حضور نمایندگان هر دانشکده برگزار گشت که ۹ نفر اعضای این شورا به شرح زیر



مشق شب کیارستمی برای کودکان

علی قربانی

روان‌نویس ۹۴



عباس کیارستمی کارگردانی نام‌آشنا برای تمامی ایرانیان و نیز مایه‌ی فخر ایشان در برابر جهانیان بوده و هست؛ چرا که فیلم‌سازی تأثیرگذار در سینمای جهان به شمار می‌آید و آثار وی همواره با استقبال فراوان ناقدان، داوران، کارگردانان، فستیوال‌ها و بنیادهای فرهنگی و هنری جهان روبه‌رو شده است. از این‌رو، از جنبه‌هایی گوناگون و متعدد می‌توان به واکاوی و بررسی آثار هنری وی پرداخت اما در این مقاله بر آن شدم تا به مناسبت روز جهانی و هفته ملی کودک و از آنجایی که نام عباس کیارستمی با نام کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران پیوندی دیرینه خورده است، نگاهی اجمالی به آثار ساخته شده توسط او در مورد فراز و نشیب‌های زندگی کودکی بیان‌دازم. حاصل بیست سال حضور ممتد کیارستمی در این کانون، چیزی نزدیک به بیست اثر در قالب فیلم کوتاه، بلند و مستند بوده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آثاری چون «تجربه»، «مسافر»، «خانه دوست کجاست؟» و «مشق شب» اشاره نمود که در ادامه به معرفی و بررسی تک تک آن‌ها خواهیم پرداخت. عباس کیارستمی در سال ۱۳۵۱ و پس از ساخت دو فیلم کوتاه به نام‌های «نان و کوجه» و «زنگ تفریح»، در سومین تجربه فیلم‌سازی خود سراغ ساخت اثری تحت عنوان «تجربه» با فیلم‌نامه‌ای از امیر نادری رفت و در آن برشی از زندگی محمد، به عنوان شاگرد یک استودیوی عکاسی را به نمایش گذاشت. این فیلم کم‌دیالوگ، حکایت رسیدن یک پسر بچه به دوران بلوغ است؛ دورانی که با هیجانات جنسی و شیفتگی‌های لیلی‌ومجنون‌گونه همراه با سادگی بچه‌گانه در آمیخته است و مرحله‌ی حساسی محسوب می‌شود که متأسفانه از جانب کسانی که خود تشنه‌ی هیجانات جنسی هستند، مورد سرکوب و بی‌توجهی قرار گرفته است. کیارستمی در این فیلم خوش‌ریتم به خوبی فرافکنی صورت گرفته از سوی بزرگسالان و تنهایی فزاینده کودکان در جامعه را به تصویر می‌کشد. دو سال پس از فیلم «تجربه»، فیلم «مسافر» از کیارستمی اکران می‌شود. فیلمی که کماکان در ادامه مسیر به تصویر کشیدن سرکوب‌تأمیلات کودکان توسط جامعه و بزرگسالان حرکت می‌کند. فیلم داستان کودکی ده‌ساله به نام قاسم را روایت می‌کند که شیفته فوتبال و بیزار از درس و مدرسه است. هرچند خانواده و مدرسه علاقه او را نادیده گرفته و به سبب درس‌گریزی‌اش مدام به او سرکوفت می‌زنند، اما قاسم دست‌بردار نیست و برای تماشای مسابقه تیم موردعلاقه‌اش، با صد دوز و کلک و بدون اجازه والدینش به تهران می‌رود. «مسافر» نیز همچون فیلم قبلی کیارستمی از ریتم خوبی برخوردار است و به خوبی نیز فضای فکری این کودک ده‌ساله و سرکشی‌های او را به نمایش می‌گذارد و به شخصیتش نزدیک می‌شود. سال ۱۳۶۵ با ساخت و اکران فیلم «خانه دوست کجاست؟»، نقطه عطفی در کارنامه هنری

کیارستمی رقم خورد؛ چرا که این فیلم او را به شهرتی جهانی رساند و آغازی بر جایزه گرفتن‌های او از جشنواره‌های گوناگون خارجی گردید. «خانه دوست کجاست؟» داستان ساده‌ای درباره یک پسر مدرسه‌ای هشت‌ساله با وجدان را روایت می‌کند که تلاش می‌کند دفترچه دوستش را که در روستای همسایه زندگی می‌کند به او بازگرداند و گرنه دوستش را از مدرسه بیرون می‌کنند. این فیلم برخلاف دو ساخته قبلی مذکور ریتم کندی دارد که بزرگسالان را نیز خسته می‌کند؛ هرچند خود کیارستمی معتقد است هنگام تماشای این اثر باید از مسیر لذت ببریم و زیاد به دنبال سرانجام آن نباشیم. نکته قابل‌توجه در مورد این فیلم آن است که به مانند آثار قبلی کیارستمی در حوزه کودک، کاملاً در خدمت کودکان نیست و بیشتر به نظر می‌رسد ساخته‌ای است به نام کودکان و به کام بزرگسالان که به عقیده اینجانب همین مسئله نیز آن را در فستیوال‌های جهانی مورد توجه قرار داد؛ اینکه او قواعد این ژانر را با این کار بهم ریخت. با این همه، به نظر می‌رسد کارگردان توانسته از پس به تصویر کشیدن مفهوم وجدان از دیدگاه خاص خودش بر بیاید. «مشق شب» عنوان فیلم - مستند جنجال‌برانگیزی است، فاقد سناریو که بخش عمده آن اتقاق گفت‌وگوی کیارستمی با دانش‌آموزان است. دانش‌آموزانی که از تکلیف مشق شب و نحوه انجام آن در خانه و همراهی یا عدم همراهی پدر و مادرهایشان می‌گویند و از این طریق اطلاعاتی نیز از وضعیت خانواده‌های خود به بیننده می‌دهند. ترس، توهم، دروغ‌گویی، تشویش، پذیرش سلطه، اضطراب، احساس ناامنی، احساس گناه، غم و... همگی جزو حالاتی هستند که از روی زبان بدن و نحوه گفتار دانش‌آموزان به هنگام پاسخ‌گویی اعتراف‌گونه به پرسش‌های کیارستمی قابل درک است. نگاه تیزبین، عمیق و موشکافانه‌ی کارگردان مولف و صاحب سبکی چون کیارستمی با آسیب‌شناسی هنرمندانه، چنین روش تباه‌کننده‌ی او در نظام آموزشی درک و فهم کرده و به تصویر کشیده است تا همگان را به داوری چنین ستم فاحشی بر نسل یا نسل‌هایی از کودکان این سرزمین فراخواند. به طور کلی، «مشق شب» اثری انتقادی و اعتراضی آشکار به سیستم تعلیم و تربیت ایران در آن برهه‌ی زمانی است. در پایان، ذکر این نکته حائز اهمیت است که قصد نگارنده از نوشتن این خطوط صرفاً ترغیب خوانندگان به تماشای آثار این کارگردان پرآوازه به منظور شناخت بیشتر حال و احوالات کودکی و نیز یادآوری این مسئله به اهالی سینما بوده است که کارگردانان بزرگی چون عباس کیارستمی و بهرام بیضایی، کار خود را با ساختن آثاری شاخص برای کودکان آغاز نموده‌اند و به هیچ‌وجه روا نیست که کار رسانه‌ای در حوزه کودک و نوجوان را فعالیتی دست‌چندم‌پنداریم. و گرنه شکی نیست که پیرامون هر یک از فیلم‌های عنوان‌شده در این نوشته، می‌توان بحث و گفت‌وگوهای فراوانی کرد و نقد و نظرانی به مراتب تخصصی‌تر و حرفه‌ای‌تر بیان داشت.

